

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين و صلي الله علي سيدنا محمد و آله الطاهرين

یادآوری: بررسی ادله اقوال ثلاثه در مسافت تلفیقی؛

بحث در این است که آیا در مسافت تلفیقی لازم است که مقدار ذهاب و ایاب هر کدام برید باشد که ظاهر روایات مسافت تلفیقی همین بود، یا اینکه در هیچ کدام برید بودن و اربعة فراسخ موضوعیت ندارد، باید هشت فرسخ محقق شود، حالا به هر نحوی که باشد. هفت فرسخ برود و یک فرسخ برگردد یا بالعکس. یا باید بین ذهاب و ایاب تفصیل داد. بنابراین سه قول وجود دارد که عبارتند از:

قول اول:

ملاک برید نیست بلکه مجموع باید ثمانية فراسخ باشد؛
اما خود مرحوم سید(ره) در کتاب «العروة الوثقی» هیچ یک از این دو قول را ندارد و می فرماید مسافت تلفیقی هر نحوی واقع شود کفایت می کند.

قول دوم:

نظریه تفصیل بین ایاب و ذهاب؛
اینکه بزرگانی مثل مرحوم آقای بروجردی(ره)، مرحوم سید ابوالحسن اصفهانی(ره) صاحب «وسيلة النجاة»، مرحوم امام خمینی(ره)، مرحوم والد ما(ره) بین ذهاب و ایاب تفصیل دادند.

قول سوم یا نظریه اکثر:

مسافت تلفیقی صرفاً در صورتی قابل پذیرش است که ذهاب و ایاب کمتر از برید نباشد؛

اما اکثر فقها تفصیل ندادند و گفته اند باید ذهاب، «برید» باشد، ایاب هم «برید» باشد، یعنی مسافت تلفیقی را فقط در یک فرض پذیرفته اند، آن هم جایی که حتماً ذهاب، «برید» باشد، یعنی کمتر از برید نباشد. ایاب هم کمتر از «برید» نباشد، چهار فرسخ برود و چهار فرسخ بیاید، پنج فرسخ برود و پنج فرسخ بیاید، چهار فرسخ برود و چهار فرسخ بیاید، در دو طرف نباید کمتر از «برید» باشد. عرض کردیم بزرگانی مثل مرحوم نائینی(ره)، مرحوم آقای حکیم(ره)، مرحوم آقای خوئی(ره)، مرحوم محقق

حائری(ره) و جمع دیگری از محشین کتاب «العروة الوثقی» همین نظر را دارند.

بررسی اجمالی ادله‌ی قول اول در مسافت تلفیقیه، ضمن دو دلیل؛

ابتدا دلیل مرحوم سیّد(ره) را عرض کنیم، آنچه که می‌شود برای این قول استدلال کرد را بگوئیم که این را به نحو اجمال بگوئیم و بعد مجدداً ممکن است به همین دلیل برگردیم. آنچه اینها اینطور می‌توانند استدلال کنند، ضمن دو دلیل قابل طرح است که عبارت است از:

دلیل اول:

حکومت روایات تلفیق، فقط بر روایات اربعة فراسخ؛

اینکه روایات ثمانیه فراسخ می‌گوید ملاک در تقصیر، هشت فرسخ است، روایات اربعة فراسخ می‌گوید ملاک در تقصیر چهار فرسخ است، این روایات تلفیق، بر این دلالت دارد که این چهار فرسخ، چهار فرسخ ذهاباً است اما باید چهار فرسخ ایاباً هم باشد. به عبارت دیگر ما روایات تلفیق را فقط بر این روایات اربعة فراسخ حاکم قرار می‌دهیم. روایات ثمانیه فراسخ می‌گوید باید مقدار هشت فرسخ باشد، دیگر نگوئید که این هشت فرسخ، هشت فرسخ امتدادی باشد یا نباشد! می‌گوییم در مقداری که نماز قصر می‌شود ثمانیه فراسخ است، یعنی ظهور در این دارد که مقدار سیری که این شخص انجام می‌دهد باید کمتر از هشت فرسخ نباشد، ما باشیم و روایات ثمانیه فراسخ خودش اطلاق هم دارد می‌گوید هشت فرسخ. هر طوری بخواهد انجام شود، اما روایات تلفیق، فقط بر روایات اربعة فراسخ حکومت دارد و می‌گوید این چهار فرسخ فقط ذهاباً است اما باید ایاباً هم باشد. ما دیدیم بیش از این که دلیل نداریم؛ ما سه دسته دلیل داریم، ثمانیه فراسخ، اربعة فراسخ و روایات تلفیق. اگر فرض کنیم از اول غیر از روایات ثمانیه فراسخ روایات دیگری نداشتیم، آیا اطلاق این روایات اقتضا نمی‌کرد که باید هشت فرسخ انجام شود، حالا یک فرسخ برود و هفت فرسخ برگردد! باید هشت فرسخ را طی کند مطلقاً، اما حالا کنارش روایات اربعة فراسخ داریم، روایات تلفیق هم داریم، روایات تلفیق را حاکم بر روایات اربعة فراسخ قرار می‌دهیم، این نکته‌ی اول.

دلیل دوم:

«برید ذهاباً و برید جائیاً» از باب مثال و مورد غالب است؛

نکته‌ی مهمی که اینها بر آن تکیه می‌کنند این است که این «برید ذهاباً و برید جائیاً» از باب مثال است، چون غالباً کسی که چهار فرسخ می‌رفت از همان راه برمی‌گشت، الآن هم همینطور است، غالباً از صد مسافرتی که وجود دارد 99 مورد از همان مسیری که انسان می‌رود برمی‌گردد! خیلی به ندرت اتفاق می‌افتد انسان از یک مسیری برود و از مسیر دیگری بخواهد برگردد! لذا می‌گویند چون این مورد غالب بوده. حالا اگر کسی از یک راه دیگری خواست برگردد اما مجموع شد ثمانیه فراسخ این اشکالی ندارد، این یک استدلال برای قول مرحوم سیّد در کتاب عروه.

بررسی ادله‌ی قول دوم یا قول به تفصیل، در مسافت تلفیقیه؛

حالا قول به تفصیل را هم بیان کنیم، قول مرحوم آقای بروجردی(ره) را و بعد بیائیم سراغ قول اکثر. مرحوم محقق بروجردی(ره) بر حسب آنچه که در کتاب «البدر الزاهر» در صفحه 110 آمده می‌فرمایند: «فالحقّ فيه هو الاعتبار فی جانب الذهاب دون الإياب»، فقط در جانب ذهاب باید چهار فرسخ کمتر نباشد اما در ایاب اگر چهار فرسخ کمتر شد مانعی ندارد. در نتیجه روی فرمایش ایشان اگر کسی شش فرسخ برود از یک راه دیگری دو فرسخ باشد برگردد، همین کفایت می‌کند، ذهاباً نباید کمتر از

چهار فرسخ باشد.

تبیین نظریه‌ی تفصیل ضمن بیان یک مقدمه؛

بعد می‌فرمایند: «والسرّ فی ذلک»، اول یک مقدمه‌ای را ذکر می‌کنند که:

اولاً:

اخبار ثمانية دو ظهور دارند؛ اول اینکه مسافت کمتر از هشت فرسخ نباشد و دوم اینکه مسافت باید امتدادی باشد؛

«أن أخبار الثمانية كانت ظاهرةً فی بیان المسافة الإمتدادية الحاصلة بین المبدأ و المقصد و أن أقلّها ثمانية»، می‌فرماید روایات ثمانية فقط نمی‌گوید که مقدار مسافت باید هشت فرسخ باشد بلکه دو مطلب را دلالت دارد که عبارتند از:

مطلب اول:

روایات ثمانية فراسخ می‌گوید هم برای قصر باید هشت فرسخ راه برود این یک مطلب.

مطلب دوم:

که دلالت دارد و ظهور در این دارد که این مسافت باید مسافت امتدادی باشد، یعنی فاصله‌ی بین المبدأ و المقصد باید هشت فرسخ باشد.

مرحوم آقای بروجردی(ره) برخلاف آن استدلالی که ما برای سیّد(ره) آوردیم که سیّد باید بگوید ولو حالا در متن کتاب عروه که استدلال نکرده، سیّد(ره) فقط همان ظهور اول را قبول دارد و می‌گوید اخبار ثمانية می‌گوید هشت فرسخ؛ اما دیگر نمی‌گوید این مسافت باید مسافت امتدادی بین المبدأ و المقصد باشد، ولی مرحوم آقای بروجردی(ره) می‌فرمایند نه! این اخبار ثمانية هم می‌گوید باید هشت فرسخ باشد و کمتر از این نباشد و هم ظهور در مسافت امتدادی دارد. به عبارت دیگر اگر ما بودیم و فقط اخبار ثمانية یعنی اصلاً اخبار اربعة را نداشتیم و اخبار تلفیق را هم نداشتیم، در این صورت آقای بروجردی(ره) می‌فرمایند این باید از آنجایی که شروع می‌کند تا مقصدش هشت فرسخ ممتد باشد، اگر ما بودیم و اخبار ثمانية. شما ذهن شریف‌تان را متمرکز کنید ببینید کدامیک از این دو مطلب ظاهر این روایات است که ما هم عرض خواهیم کرد.

ثانیاً:

اخبار اربعة دو ظهور دارند؛ اول اینکه مسافت کمتر از چهار فرسخ نباشد و دوم اینکه مسافت باید امتدادی باشد؛

بعد می‌فرمایند می‌آئیم سراغ اخبار اربعة؛ می‌فرمایند اخبار اربعة مثل اخبار ثمانية، دو ظهور دارد: ظهور اول: یک ظهور این است که اقل مسافت چهار فرسخ است، ظهور دوم این است که این هم باید امتدادی باشد، یعنی اگر ما باشیم و فقط اخبار اربعة، از امام(ع) سؤال می‌کنند «فی کم یقصر المسافر؟» امام(ع) در پاسخ می‌فرمایند «فی برید». مرحوم آقای بروجردی(ره) می‌فرماید این هم دو ظهور دارد: ظهور اول: اقل مسافت چهار فرسخ است ظهور دوم: این مسافت هم باید مسافت امتدادی

باشد.

تبیین نظریه‌ی تفصیل، ضمن بیان دو عمل روایات تلفیق؛

محقق بروجردی (ره) پس از بیان این مقدمه می‌فرماید: بین این اخبار اربعه و اخبار ثمانیه تعارض به وجود می‌آید، در چه چیزی تعارض به وجود می‌آید؟ اخبار ثمانیه می‌گوید اقل، هشت فرسخ است و این می‌گوید اقل چهار فرسخ است، در اینجا می‌فرمایند روایات تلفیق می‌آید دو کار انجام می‌دهد که عبارت است از:

عمل اول:

از بین بردن تعارض بین اخبار اربعه و ثمانیه؛
روایات تلفیق تعارض بین این اخبار اربعه و اخبار ثمانیه را برطرف می‌کند و می‌گوید این چهار فرسخ به تنهایی ملاک نیست، بلکه «برید ذاهباً و برید جائئاً». یعنی تعارض بین اخبار ثمانیه و اربعه را از بین می‌برد؛

عمل دوم:

از بین بردن ظهور اخبار ثمانیه در مسافت امتدادی؛
ظهور اخبار ثمانیه در مسافت امتدادی را از بین می‌برد، این روایت تلفیق می‌گوید اگر اخبار ثمانیه ظهور در این مسافت امتدادی دارد، اخبار تلفیق به عنوان اینکه حاکم بر اخبار ثمانیه است، این ظهور را از بین می‌برد، می‌گوئیم نه! اگر در رفت و برگشت هم مجموعاً هشت فرسخ شد کافی است.

پس اخبار تلفیق، ظهور اخبار ثمانیه در مسافت امتدادی را از بین می‌برد، اما ظهور اخبار اربعه در مسافت امتدادی را نمی‌تواند از بین ببرد، اخبار اربعه می‌گوید چهار فرسخ. گفتیم این چهار فرسخ ظهور دارد فاصله و بُعد بین المبدأ و المقصد است که از همان به مسافت امتدادی تعبیر می‌کنیم. اخبار تلفیق نمی‌تواند ظهور اخبار اربعه در این مسافت امتدادیه را از بین ببرد یعنی لا اقل باید این شروع بین المبدأ و المقصد، ذهاب چهار فرسخ باشد. اما چه چیز آن را از بین می‌برد؟ اینکه بگوئیم همین چهار فرسخ کافی است را از بین می‌برد، ظهور دوم را (به اصطلاح ما)، ظهور در اینکه همین چهار تا کافی است این را از بین می‌برد، می‌گوید نه! می‌گوید «برید ایاباً» هم باید باشد. پس اخبار تلفیق نتوانست ظهور اخبار اربعه در اینکه ذهاباً باید چهار فرسخ باشد این را از بین ببرد، مسافت امتدادیه را نمی‌تواند از بین ببرد، پس این به قوت خودش باقی است.

نتیجه جمع بین اخبار ثمانیه و اربعه و اخبار تلفیق این می‌شود که:

اولاً:

مسافت باید هشت فرسخ باشد؛

ثانیاً:

لازم نیست مسافت امتدادی تماماً هشت فرسخ باشد؛

اما مسافت ذهابی باید چهار فرسخ امتدادی باشد.

«و هذا هو القول بالتفصيل»، اینکه ما بین ذهاب و ایاب تفصیل می‌دهیم بیانش همین است.

بررسی یک اشکال در مقام، بر حسب تقریرات البدر الزاهر، از منظر محقق بروجردی(ره):

بعد یک اشکالی را خود ایشان مطرح می‌کند و آن اینکه اگر اخبار تلفیق در مقام حاکم است، پس ما باید به مقتضای او عمل کنیم و دو راه داریم، و آن اینکه:

راه اول:

یا باید بگوئیم هم ذهاب و هم ایاب کمتر از چهار فرسخ نباید باشد، کما اینکه ظاهر اخبار تلفیق همین است،

راه دوم:

یا بیائیم از هر دو رفع ید کنیم و بگوئیم هیچ کدام خصوصیت ندارد و هر دو به عنوان مثال ذکر شده، اخبار تلفیق یک مصداقی از ثمانیه را می‌گوید و آن این است که «برید ذهاباً و برید جائیاً»، یک مصداقش را بیان می‌کند اما مصداقی دیگر هم وجود دارد؛ دو فرسخ برود و شش فرسخ برگردد، سه فرسخ برود و پنج فرسخ برگردد!

در نتیجه مستشکل به مرحوم آقای بروجردی(ره) می‌گوید ما یک اخبار ثمانیه داریم و یک اخبار اربعه داریم و یک اخبار تلفیق داریم. حال:

یا باید به ظاهر اخبار تلفیق عمل کنیم، که ظاهرش این است که هم ذهاب باید چهار فرسخ باشد و هم ایاب باید چهار فرسخ باشد، در نتیجه ظاهر اخبار تلفیق فقط یک تلفیق خاص را شارع اجازه داده.

یا باید از هر دو رفع ید کنیم و بگوئیم هر دویض مثال است، چون غالباً این چنین بوده تا یک برید می‌رفتند و می‌آمدند مثال زده شده و الا اگر کسی هشت فرسخ را طی کند ولو تلفیق به نحو دیگری باشد دو فرسخ برود و شش فرسخ بیاید، این مانعی نباید داشته باشد.

این خلاصه‌ی اشکال مستشکل بر حسب آنچه در تقریرات «البدر الزاهر» مرحوم آقای بروجردی(ره) آمده بود، ولی مرحوم آیت الله حاج آقا علی صافی(ره) هم صلاة مرحوم محقق بروجردی(ره) را نوشتند و چاپ هم شده است و مرحوم والد ما(ره) نیز بحث صلاة مرحوم بروجردی(ره) را غیر از صلاة جمعه و صلاة مسافر نوشته‌اند. صلاة جمعه و مسافر را مرحوم آیت الله منتظری(ره) نوشتند، اما تقریراتی که از مرحوم آقای صافی(ره) هست ظاهراً مجموع کتاب الصلاة است. در ذهنم می‌آید که مرحوم آقای اشتیاردی(ره) هم تقریراتی از صلاة مرحوم آقای بروجردی(ره) نوشتند و چاپ هم شده، اینها را باید مراجعه کنید چون تقریرات مخصوصاً درس مرحوم بروجردی(ره) نوشتنش بسیار مشکل بوده است؛ چه اینکه مرحوم والد ما(ره) نقل می‌کردند که من درس را می‌نوشتم و شاگردان قدیمی آقای بروجردی(ره) و آنهایی که سن‌شان دو سه برابر ایشان بوده، آنها می‌گفتند که این قسمت بحث را فلانی نمی‌تواند بنویسد! چون هم بحث مشکل بود و هم مرحوم بروجردی(ره) مطالبشان خیلی

دقیق بود. بعد می‌فرمودند اتفاقاً آن را جدا می‌نوشتیم و خدمت آقای بروجردی(ره) می‌دادیم و ایشان بیشتر از موارد دیگر تقدیر می‌کردند، این تقریرات صلاة مرحوم والد ما(ره) آنطوری که خود ایشان نوشتند در سن 19 سالگی شروع کردند و در سن 24 سالگی چاپ شده، به دستور خود آقای بروجردی(ره) و با کمکی که ایشان فرموده بودند، در همان زمان آقای بروجردی(ره) چاپ شده.

جواب محقق بروجردی(ره) در مقام، ضمن بیان یک مثال:

عرف در اخبار تلفیق، نسبت به ذهاب الغاء خصوصیت نمی‌کند، اما نسبت به ایاب الغاء خصوصیت می‌کند؛

ایشان می‌فرمایند عرف الغاء خصوصیت نسبت به ایاب می‌کند اما نسبت به ذهاب نمی‌کند، همه‌ی جواب مرحوم آقای بروجردی(ره) در همین است که عرف نسبت به رفتن الغاء خصوصیت نمی‌کند اما نسبت به برگشتن الغاء خصوصیت می‌کند، چرا؟ چون می‌فرمایند آنچه که محقق سفر است ذهاب است کسی که از مبدأ فاصله می‌گیرد را عرف می‌گوید «سافر، یسافر»، اما کسی که در حال برگشت به وطن است عرف بر او عنوان مسافر و سفر اطلاق نمی‌کند. به عبارت دیگر، مستشکل اینطور گفت که یا باید از هر دو الغاء خصوصیت کنیم یا باید هر دو را سر جایش نگه داریم؛ اما آقای بروجردی(ره) می‌فرماید نه، از «برید ذاهباً» نمی‌توانیم الغاء خصوصیت کنیم، چون عرف الغاء خصوصیت نمی‌کند و به آن سفر می‌گوید، این روایات هم می‌گوید «برید ذاهباً»، اما نسبت به «ایاب» عرف القاء خصوصیت می‌کند. در نتیجه اگر ذهابش شد شش فرسخ، یعنی چهار فرسخ سر جایش محفوظ است، ایابش شد دو فرسخ، اینجا عرف می‌گوید تلفیق مقدّر شده.

پس مدعای شریف ایشان این است که عرف در اخبار تلفیق نسبت به ذهاب الغاء خصوصیت نمی‌کند، پس او را سر جای خودش نگه می‌دارد، اما نسبت به ایاب، الغاء خصوصیت می‌کند، می‌گوییم چرا؟ می‌گویند عرف می‌گوید اینجا چون باید عنوان سفر برایش صدق کند، عرف سفر را بر همان ذهاب تطبیق می‌کند و در ایاب نمی‌گویند مسافرت می‌کند، کسی که به وطن برمی‌گردد برایش عنوان سفر را اطلاق نمی‌کنند.

تبیین یک مثال از منظر محقق بروجردی(ره) ضمن بیان چهار احتمال و طرح دلیل صحت و بطلان احتمالات؛

محقق بروجردی(ره) در همین کتاب «البدر الزاهر» باز برای اینکه مسئله یک مقداری روشن‌تر شود، یک مثالی را ایشان ذکر کردند، می‌فرمایند اگر کسی شش فرسخ برود و شش فرسخ بیاید، اینجا در اینکه موجب قصر چیست چهار احتمال وجود دارد، این کسی که شش فرسخ رفته و شش فرسخ برگشته،

احتمال اول:

این است که بگوئیم آنچه که موجب قصر است شش فرسخ رفتن است و دو فرسخ برگشتن است، آنکه کفایت در قصر می‌کند شش بعلاوه‌ی دو است، این یک.

احتمال دوم:

این است که بگوئیم مجموع شش بعلاوه‌ی شش، موجب قصر است.

احتمال سوم:

اینکه بگوئیم شش بعلاوه‌ی چهار.

احتمال چهارم:

این است که بگوئیم چهار بعلاوه‌ی چهار.

ایشان در ادامه می‌فرمایند: در میان این چهار فرض، فرض اول درست است و بقیه بالضرورة باطل است. اول بیان می‌کنند چرا فرض دوم و سوم باطل است؟

دلیل بطلان احتمال دوم و سوم:

می‌فرمایند ما اگر بگوئیم شش بعلاوه‌ی شش یا اینکه شش بعلاوه‌ی چهار، به این معناست که اقلّ مسافت هشت فرسخ نباشد. در حالی که بالضرورة می‌گوئیم اقلّ مسافت هشت فرسخ است، اینکه مسلم است. اگر گفتیم شش بعلاوه‌ی شش، اقلّ مسافت می‌شود دوازده فرسخ، اگر گفتیم شش بعلاوه‌ی چهار، اقل مسافت می‌شود ده فرسخ، هر دو بالضرورة باطل است.

دلیل بطلان احتمال چهارم:

چرا فرض چهارم باطل است؟ می‌فرمایند برای اینکه لازمه‌ی فرض اخیر این است که این آدمی که شش فرسخ رفته، شش فرسخ برگشته، آن دو فرسخش کالعدم است در رفتن، یعنی بگوئیم آنچه که موجب تقصیر است، چهار بشرط لا است، یعنی بگوئیم شش فرسخ آمده و آن دو فرسخش اثری نداشته، این هم بالضرورة باطل است. زیرا باید بگوئیم آن دو فرسخ به قول ایشان «كالحجر المنضم إلى الإنسان» است، بگوئیم آن اضافه‌ی بی‌خودی است، در حالی که نمی‌توانیم این را بگوئیم!

دلیل صحت احتمال اول:

پس منحصر می‌ماند که بگوئیم از این چهار احتمال شش بعلاوه‌ی دو موجب برای قصر است.

نتیجه‌گیری نظریه تفصیل از منظر محقق بروجردی(ره) ضمن تبیین یک شاهد روایی؛

بعد می‌فرماید «و بعبارة أخرى المستفاد من اخبار الاربعة بضميمة اخبار التلفيق هو أن الأربعة أدنى البُعد المعتبر في المسافة التلفيقية»، اربعة كمترین مقدار بُعدی است که در مسافت تلفیقیه معتبر است، «لا أن الزائد عليها غير مؤثر في القصر»، نه اینکه زائد بر اربعة مؤثر در قصر نباشد و در آخر می‌فرمایند «و قد تلخص مما ذكرنا، أن المستفاد من أخبار الطائفة الثانية»، طائفه‌ی ثانیه همین اخبار اربعة فراسخ است، «هو أن الأربعة أدنى البُعد»، كمترین مقدار بُعد است «و الإمتداد المعتبر في ثبوت القصر»، كمترین مقدار در امتدادی است که در قصر معتبر است «و لا تزاحمها في ذلك أخبار التلفيق»، اخبار تلفیق در این ظهور، مزاحمتی ندارد، «فيجب الأخذ منه و أما ذكر الأربعة في طرف الإياب فمن جهة أنها الفرد الغالب»، در اینکه فرمودند در روایات چهار فرسخ ایاباً از باب غالب است، چون غالباً از همان راهی که می‌رفتند از همان راه هم می‌آمدند. بعد می‌فرمایند «فتدبر في اخبار الطائفة الثانية و الثالثة حتى يتضح صحة ما ذكرناه».

و در آخر هم یک شاهی از یک روایت می‌آوردند و می‌فرمایند «و مما له ظهورٌ تامٌ فی کون الأربعة هی أدنی البُعد المعتبر خبر فضل بن شاذان» که البته خبر فضل بن شاذان به هیچ وجهی دلالت بر این معنا ندارد؛ زیرا ما دو روایت از فضل بن شاذان داشتیم، یکی روایت اول است که در روایت اول اصلاً کلمه‌ی برید ندارد، یکی روایت دوم است که آن هم ثمانیه فراسخ دارد، من فکر می‌کنم همین جا اشتباه شده، به جای اینکه بگویند روایت ابی ایوب، کلمه‌ی فضل بن شاذان را آوردند. روایت ابی ایوب همین حدیث یازدهم «أدنی ما یقصر فیہ المسافر فقال بریدٌ» است، حالا این استدلال ایشان را ملاحظه بفرمایید تا جلسه بعد.

و صلی الله علی محمد و آله الطاهرین